

## قانون

### اداری وزارت معارف و اوقاف

### و صنایع مستظرفه

#### مهدی عباسی

سالهاست که نویسنده‌ی این مقاله تصمیم داشت تاریخ نسبتاً جامعی راجع به معارف «آموزش و پرورش نوین ایران» فراهم کند. برای نیل به مقصود، مطالعات و تحقیقات وسیعی را آغاز کرد، به استانها و شهرستانهای مختلف مسافرت نمود و کتب، اسناد و تصاویر قابل توجهی فراهم کرد و با پیش‌گامان و بزرگان این فن در داخل و خارج از کشور به گفتگو نشست و به تبادل نظر پرداخت و از هر خرمی توشه‌ای برگرفت. چون دامنه‌ی تحقیق بسیار وسیع و میدان علمی این موضوع، فراتر از حد تصور نویسنده و نیز تنگی وقت و کوتاهی عمر مزید بر علت بود لذا تصمیم گرفت پیشاپیش، بخشی از این مجموعه‌ی بزرگ را به نام تاریخ معارف قم آماده کرده و در سال ۱۳۸۸ به هیله‌ی طبع آراسته نماید.

گفتنی است درباره‌ی شهرستانها، کسانی از مورخان راجع به معارف مسقط الرأس خویش کتابهایی تألیف کرده‌اند که بعضی از آنها حایز اهمیت فراوانی است مانند تاریخ فرهنگ آذربایجان تألیف مرحوم محمدعلی صفوت تبریزی و یا تاریخ فرهنگ آذربایجان در دو مجلد تألیف شادروان حسین امید که این دو از شخصیت‌های فاضل و ممتاز آذربایجان بشمارند. هم چنین نشریه‌ی معارف در دوره‌ی قاجار و پهلوی و سالنامه‌های مربوط و یا نشریه‌ی فرهنگ که در زمان دکتر عیسی صدیق در رشت منتشر می‌گردید و یا معارف بوشهر و یا مدرسه گلپه‌ار اصفهان، بعدها در ۱۳۰۵ نشریه‌ی جامعه معارف طهران و یا گزارش مرحوم محمد اعتضاد رازانی رییس معارف بروجرد و لرستان در ۱۳۰۶ و دوره‌ی مجله تعلیم و تربیت کمابیش اطلاعاتی از پیشینه معارف بدست می‌دهد.

سالنامه‌های معارف اصفهان، عراق، فارس، کردستان، کرمانشاه و یا سالنامه‌های دانشگاهها، دانشکده‌ها، دانشسراها، دبیرستانها و دبستانها در دوره‌ی پهلوی اول و یا سالنامه‌های فرهنگ بعضی از استانها و شهرستانها در عصر پهلوی دوم مانند: الیگودرز، رضائیه، اصطهبانات، شاهرود، سیرجان، گلپایگان و خوانسار، قزوین، خرمشهر، دشت میشان، شهرری، شهرضا، رشت، مهاباد، خوزستان، یزد و مؤسسه‌های فرهنگی دیگر تا اندازه‌ای رهنمون کسانی خواهند بود که در این موضوع قلمفرسایی کنند.

در روزگار ما تاریخ سیر آموزش و پرورش در اصفهان توسط آقای مجتبی ایمانیه، در کردستان به قلم آقای حیرت سجادی در دو مجلد، در قزوین تحت نظارت آقای دبیرسیاقی در سه مجلد، فارس نگارش آقای حسن امداد و بندرعباس، کرمان، گیلان، بوشهر، بیرجند و سایر نقاط و نیز سالنامه‌های مؤسسه‌های فرهنگی در اقصی نقاط کشور مؤید علاقه‌ی ایرانیان به حفظ تاریخ و فرهنگ و نگهبانی از میراث نیک گذشتگان است.

با این وجود راجع به پیشینه‌ی آموزش و پرورش در طهران که پایتخت کشور است هنوز کتابی تألیف نشده و در این باره باید جستجو و گریخته در خلال تألیفات نویسندگان صد سال گذشته مانند حیات یحیی، یادگار عمر دکتر عیسی صدیق، یادداشت‌های مرحوم علی اصغر حکمت، شرح زندگانی میرزا حسن رشیدی در دو مجلد توسط فرزندان ذکور و یا سالنامه‌های مؤسسه‌های فرهنگی و یا مقالاتی در این موضوع که در نشریات متفاوت وجود دارد جستجو کرد.

برای آنکه بخواهیم نگاه درست به تاریخ آموزش و پرورش داشته باشیم باید به نخستین قانونی که در این باره تصویب گردیده توجه کنیم. در جلسه‌ی ۲۷ شهر شعبان ۱۳۲۸ قمری، مجلس شورای ملی به ریاست محمد علی ذکاء الملک، قانون اداری وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه که مشتمل بر سه فصل و یازده ماده بود را با اکثریت آراء تصویب کرد، این قانون به موجب اصل هفدهم و سی و سوم قانون اساسی در ربیع الثانی ۱۳۲۹ قمری به امضاء نایب السلطنه رسانیده و به اجراء گذاشته شد.

سازمان وزارت فرهنگ که بعدها با همین قانون گسترش پیدا کرد به قسمت‌های زیر تقسیم می‌شد: وزیر، معاون فنی، معاون اداری، مدیر کل فنی، مدیر کل اداری، اداره‌ی دفتر وزارتی، اداره‌ی کل تعلیمات عالییه و روابط فرهنگی، دبیرخانه‌ی شورای عالی فرهنگ، اداره‌ی کل بازرسی، اداره‌ی کل اوقاف، اداره‌ی کل هنرهای زیبا، اداره‌ی باستان‌شناسی و موزه که به تدریج بعضی از ادارات فوق‌الذکر توسعه یافته و هر کدام تبدیل به سازمان مستقلی شده‌اند و در استانها و شهرستانهای مختلف نیز فعالیت دارند اینک قانون مذکور که به صورت کتابچه‌ای در یازده صفحه و در همان ایام در مطبعه‌ی دولتی به طبع رسیده از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد و چنانچه توفیق رفیق باشد به مرور زمان، قوانین و رسایل دیگری را در پیشگاه ارباب ذوق قرار خواهیم داد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی